

نویسنده : دانیل لاریسون (Daniel Larison)

منبع و تاریخ نشر : انتی وار « 2021-04-06 ».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

از افغانستان خارج شوید!

Get out of Afghanistan!



برای بیستمین سالگرد آغاز جنگ ایالات متحده در افغانستان تنها شش ماه دیگر باقی مانده است و هنوز مشخص نیست که آیا دولت «بایدن» آخرین نیروهای آمریکایی باقیمانده را از طولانی ترین جنگ آمریکا خارج خواهد کرد یا خیر. ماه گذشته، به نظر رسید که رئیس جمهور «بایدن» آب خنک را روی احتمال خروج تا مهلت توافق شده در اول ماه مه ریخت، اما او همچنین افزود که «ما مدت طولانی در افغانستان نمی مانیم» با توجه به طولانی شدن جنگ و شدت مقاومت در برابر عقب نشینی در واشنگتن، با باور اینکه نیروهای آمریکایی سرانجام امسال از افغانستان خارج می شوند، دشوار است. عدم تمایل آشکار دولت به بیرون بردن به موقع نیروهای باقیمانده علامت بدی است که آنها بهانه ای می گیرند تا هزاران آمریکایی را در جنگی که آمریکا مدتها قبل از دست داده است در معرض خطر قرار دهند.

اگر «بایدن» در مهلت از قبل تعیین شده یعنی در اول مه نتواند از این کشور خارج شود، مسولیت جنگ را به دست خواهد گرفت و نیروهای آمریکایی دوباره مورد حمله قرار خواهند گرفت که البته این خود بیهانه خوبی از به خطر نه انداختن سربازان آمریکایی برای شش ماه دیگر نخواهد بود و هیچ تغییری بین اکنون و خروج نیروها در ماه نوامبر ملاحظه نخواهد شد که باعث عقب نشینی در آن زمان "امن تر" یا "منظم" تر از آنچه در صورت خروج در چند هفته اتفاق می افتد باشد. اجازه تأخیر در عقب نشینی، شاهین ها «جنگ طلبان» را تشویق می کند تا برای تأخیر بیشتر به تحریک پردازند و «بایدن» را ترغیب می کند تا نیروهای بیشتری را برای پشتیبانی از نیروهای مورد انتقاد اعزام کند. رئیس جمهور می گوید که خروج از افغانستان تا اول ماه مه "سخت" خواهد بود، اما او بخاطر کشیدن پا خود مقصر آن است. اگر دولت «بایدن» برای احترام گذاشتن به توافق نامه دوحه سریعاً عمل می کرد، خروج از این کشور تاکنون در حال انجام بود، اما به لطف مشاوری های اضافی و بررسی های صورت گرفته، زمان لازم برای تکمیل این عقب نشینی بسیار کم شده است.

روسای جمهور قبلی آمریکا از تصمیم گیری در مورد عقب نشینی خودداری کردند زیرا آنها نمی خواستند به "از دست دادن" افغانستان متهم شوند، اما «بایدن» باید این را تشخیص دهد و علناً تصدیق کند که وقتی ایالات متحده چنین اهداف غیرواقعی را برای خود تعیین کرده، هرگز نمی توان پیروز شود. همه میدانیم که ایالات متحده هرگز اراده سیاسی برای پشت سر گذاشتن طالبان را نداشت، زیرا دیر یا زود ایالات متحده قصد ترک آن را داشت از اینکه آنها یعنی طالبان به جایی نمی روند. عموم مردم آمریکا اشتها بی برای تشدید جنگ در آن کشور ندارند و اکثریت آمریکایی ها خواهان بیرون آمدن نیروهای آمریکایی هستند. حمایت از عقب نشینی در بین جانبازان و خانواده های آنها که بار این جنگ را به دوش کشیده و بیشترین سهم را در آن دارند، شدیدترین است. نادیده گرفتن نظر اکثریت برای ادامه یک جنگ غیرقابل پیروزی، نمونه کاملی از عدم پاسخگویی دموکراتیک در سیاست خارجی ما است. «بایدن» این فرصت را دارد که خود را در جناح راست افکار عمومی قرار دهد و آنچه را که به صلاح کشور است انجام دهد، اما باید مایل باشد که از چهره های تا سیس و حامی سیاست خارجی و صاحب نظران فاحش و جنگ طلب چشم پوشی کند.

مخالفان عقب نشینی هشدار می دهند که عزیمت نیروهای آمریکایی و متحدین به شکست طالبان از نیروهای دولت افغانستان منجر می شود. این درست است و گویای بسیاری از شکست؛ تلاش برای آموزش و تجهیز این نیروها است. ایالات متحده به جای تلاش برای خودکفایی ارتش افغانستان، این ارتش را به شدت وابسته به نیروهای ما در طول جنگ نگه داشته است. بهمانطور که **جف شوگول** در گزارش اخیر نتیجه گرفت، "علی رغم دو دهه حمایت و میلیاردها دلار، نیروهای امنیتی افغانستان بدون کمک خارجی نمی توانند استوار و پایداری زنده بمانند." اگر دولت افغانستان نتواند پس از بیست سال حمایت ایالات متحده از خود دفاع کند، همیشه بدون حمایت ارتش آمریکا برای زنده ماندن بسیار ضعیف خواهد بود. دور از دلیل اینکه ما نندن در افغانستان باشد، ضعف دولت اثبات این است که نمی توان در جنگ پیروز شد. حفظ افغانستان به عنوان یک کشور تحت حمایت دائمی گزینه جدی نیست. حمایت از دولت فاسد در کابل هیچ ارتباطی با امنیت ایالات متحده ندارد.

رهبران سیاسی و نظامی ما نسبت به پذیرش شکست حساسیت دارند، مهم نیست که شواهد قریب به اتفاق این شکست باشد. یک نسل کامل از سیاستمداران و افسران با ادعاهای گمراه کننده و دروغین پیشرفت در فروش جنگ نقش داشته اند. انگیزه های انحرافی فرهنگ سیاسی ما باعث شده است که تداوم سیاست های شکست خورده بسیار آسان تر و پاداش آورتر از پایان دادن به آنها باشد. به این ترتیب است که خروج از جنگ از دست رفته خطرناک تر از طولانی شدن درگیری است.

تداوم افسانه مزخرف "پناهگاه" به این معنی است که بسیاری از آمریکایی ها تصور می کنند که جنگ در افغانستان هنوز هم ارتباطی با جلوگیری از تروریسم در خاک ایالات متحده دو دهه پس از

حملات اصلی دارد ، اما چنین نیست . نگهداری نیروها در مناطق جنگی محافظتی در برابر تروریسم نیست . در صورت وجود ، حفظ حضور نظامی در کشورهایی که نیروهای ما تحت تعقیب نیستند ، احتمالاً حملات بیشتری را در آینده ایجاد می کند . صرف نظر از این ، واقعیت این است که ایالات متحده استثنایی از تهدیدات فیزیکی در امان است و تروریسم تهدیدی نسبتاً جزئی است که ما را به جنگ های چند دهه ای ملزم نمی کند . خروج از افغانستان با ید رهبران سیاسی و تحلیل گران ما را مجبور به تشخیص این کند که "جنگ بزرگ تروریسم" نیزاتلاف پرهزینه ای بوده است . واکنش شدید نظامی ما در برابر تروریسم فقط باعث مرگ و ویرانی بیشتر در دو قاره شده است . وقت آن است که جنگ ایالات متحده در افغانستان پایان یابد و سپس دولت ما باید بقیه جنگهای بی پایان را که از سال « 2001 » تاکنون درگیر آن است تعطیل کند .

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

دانیل لاریسون سردبیر و ستون نویس هفتگی Antiwar.com است و سایت خود را در *Eunomia* حفظ می کند . وی سردبیر سابق *The American Conservative* است . او در مجله *World Politics Review* ، *Dallas Morning News* ، *New York Times Book Review* ، *Politico* ، زندگی ارتدکس ، جمهوری ایوان جلویی ، صحنه آمریکا و فرهنگ 11 منتشر شده است و ستون نویس هفته است . وی دارای دکترای تاریخ از دانشگاه شیکاگو است و در لنکستر ، پنسیلوانیا اقامت دارد . در توییت او را دنبال کنید .

----- **با تقدیم سلامها** «2021-04-11»